آژیر

دارنده امتیاز و مدیر مسئول
ج. پیشه وری

« بهای اشتراک »
سالیانه ۲۵۰ ریال
ششماهه ۱۴۰ «
برای کارگران و کشاورزان و معلمان و کارمندان جزء دوائر صدی بیست تخفیف منظور میگردد

بهای آگهیها با دفتر اداره است

جای اداره:
(خیابان خیام جنب کوچه حمام [illegible])

آژیر روزهای یکشنبه - سه شنبه - پنجشنبه منتشر میشود

آیا این امیدها واهی است؟

روزنامه‌ها این روزها خبرهائی [illegible] ده‌اند که باعث [illegible] ما را امیدوار [illegible] بهتر بنگریم [illegible] از [illegible] ما میکاهد. علی الاصول [illegible] دولت خودمان با همه [illegible] بقدرت [illegible] عقل سالم و تشخیص صحیح آن [illegible] از این آقایان آنها [illegible] ما امیدیم. این یکی دو خبری [illegible] قدری از یأس ما را تقلیل داد. [illegible] محض تظاهر و خودنمائی [illegible] کم کم در دستگاه دولت عناصری [illegible] میشوند که [illegible] را [illegible] میکرایند. امیدواریم خبر [illegible] تغییر رای [illegible]. در هر حال [illegible] هر چه باشد نتیجه قابل توجه [illegible] این خبرها یکی مصاحبه‌ایست [illegible] طرف یکی از همکارهای ما راجع [illegible] رای آقای خواجه نوری [illegible] نخست وزیر بعمل آمده است.

آقای نخست وزیر در طی این مصاحبه [illegible] دیدیم یکبار دیگر علاقه خود [illegible] دموکراسی و اصول پارلمانتاری و [illegible] مطبوعات که یکی از ارکان [illegible] دموکراسی است [illegible] آقای نخست وزیر برابر بود [illegible] صحیح عمل زبردستان [illegible] تبلیغات شده است. ما از این [illegible] که قرار گذاشته شده [illegible] با وجود این اضطرابات [illegible] که از طرف مطبوعات [illegible] نسبت به آن اعلامیه گرانی و [illegible] گرانی تر شده است با وجود [illegible] که در افکار عامه بر علیه [illegible] غیر قانونی اداره انتشارات و تبلیغات [illegible] شده - با وجود اظهاراتی که در [illegible] نمایندگان ملت بر علیه اعلامیه و [illegible] مزبور شده است میشنویم آقای [illegible] تبلیغات منتظر چیست [illegible] مرد [illegible] و صاحب عزت نفس و آگاه و تحصیل [illegible] وقتی چنین خطای بزرگی را [illegible] شد یک وظیفه وجدانی دارد [illegible] همه از کردار او متنفر شد فقط [illegible] در پیش دارد. آیا رئیس کنونی [illegible] آن وظیفه را انجام داده و آن [illegible] را خواهند رفت؟ یا منتظر خواهند [illegible] که آن راه را دیگران بایشان نشان [illegible] پاسخ این سوال هر چه باشد این [illegible] عکس العمل [illegible] که از طرف جرائد و افکار عامه و [illegible] نمایندگان حاضر در مرکز در این زمینه [illegible] شد و اظهاراتی که از طرف آقای [illegible] نخست وزیر بالعکس بعمل آمده نشان میدهد [illegible] یک روحیه و اخلاق دموکراسی [illegible] تکوین است و این جریان سزاوار [illegible] تشویق و تقدیر میباشد. امیدواریم [illegible] خوش بینی ما را تکذیب نکند.

موضوع دیگر خبر کوچکی است [illegible] در جرائد منتشر شده دال بر اینکه [illegible] دادگستری و فرمانداری نظامی [illegible] انتشار اعلامیه جدیدی برای [illegible] کردن مطبوعات بوده و گویا آقای [illegible] فرهنگ و وزارت کشور باستناد [illegible] این اعلامیه [illegible] از امضای آن امتناع نموده و اظهار [illegible] خود را موکول بامضای وزارت [illegible] گستری کرده‌اند. بعضی‌ها اظهار [illegible] کنند که این اقدام وزارت فرهنگ و [illegible] وزارت کشور برای تظاهر است [illegible] هر چه باشد ما در این مورد به [illegible] اگر این تظاهرات قانون [illegible] و پایبند اصول مشروطیت بردن [illegible] تمام [illegible] کشور عمومیت پیدا [illegible] اگر برای خود شهرتی در مقابل

افکار عامه هم شده‌اند و کوشیدند ادارات از اعمالیکه با قوانین کشور و اصول مشروطیت منافی است خودداری کنند بسیاری از مشکلات ما حل خواهد شد و ایمان بمبادی دموکراسی که ما بآن خیلی احتیاج داریم [illegible] در دلهای ملت و این کشور پیدا خواهد شد. این دو خبر میرساند که تشریح مطبوعات و افکار عامه در کشور ما دارد جا باز میکند و اگر روزنامه‌ها قدر خود را بدانند و خیر و صلاح ملت و مردم را بر هر چیز ترجیح دهند حتماً بنفع خود کار کرده و در عین حال وزن خود را در سیاست داخلی و خارجی کشور بیشتر خواهند کرد.

موضوع دیگر مربوط به صدور امتیاز روزنامه است. شنیده میشود که فرمانداری نظامی و یا تبلیغات و یا هردو یکجا از وزارت فرهنگ خواسته‌اند که امتیاز جدید برای [illegible] روزنامه صادر نکنند. این تقاضا بر خلاف قانون اساسی کشور است و گویا وزارت فرهنگ هم همین جواب را بآقایان داده اگر چنین باشد کار بسیار درستی کرده است. ما این قاعده را همیشه محترم شمرده و اگر قاعده [illegible] است و [illegible] وقت [illegible] از روی قاعده [illegible] آنرا هوس کنیم [illegible] مثل جوجه‌های [illegible] قوانین و قواعد کشور را [illegible] بدانیم که هر وقت دلمان خواست [illegible] کرده و بشکنیم. ما همیشه [illegible] را خوب گفته و خواهیم گفت و بدون هیچ ملاحظه هر قدمی را که برای تثبیت مبانی دموکراسی شود تبریک خواهیم گفت.

مطالب اینجا که [illegible] حاضری داوند که [illegible] خواهی [illegible] ما را ثابت میکرد.

اداره تبلیغات نامه به نخست وزیری نوشته و استدلالهای پیشین خویش را در باره روزنامه‌ها تجدید کرده و بالاخره تقاضای توقیف ۱۲ روزنامه را کرده است. این نامه از طرف رئیس تبلیغات با امضای آقای [illegible] بوسیله [illegible] به دفتر نخست وزیری [illegible] آقای خواجه نوری [illegible] معاونت نخست وزیری [illegible] آن اقدام کرده و نامه دیگری بفرمانداری نظامی با امضای خود (از طرف نخست وزیر) مرقوم فرموده که روزنامه‌های نامبرده را توقیف کنند.

خوشبختانه آقای فرماندار نظامی بموقع از این توطئه جدید مطلع شده و از آقای نخست وزیر استعلام نموده و گویا ایشان جز اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند و بالاخره ۱۲ روزنامه بدینطریق از خطر توقیف نجات یافت. ما با اهانت فحاشی و هتاکی جداً مخالفیم ولی دیگران هم نباید به حیثیت دولت و ملت و قانون اداری و بقول خودشان اصول سلسله مراتب تا این اندازه توهین روا دارند. در هر حال از آقای نخست وزیر تقاضا داریم باین کشمکشها خاتمه دهند. برای حل مسئله این مسئله فقط یک راه وجود دارد. برای اینکه اشکالی در حل مسئله تولید نکنیم فعلاً آن طریق را نام نمیبریم و امیدواریم اولیای امور که صلاح مملکت و ملت را همیشه بیش از حیثیت این و آن باید مراعات کنند آن راه را بیابند و باین زد و خوردها پایان بخشند و برای جلوگیری از هتاکی و فحاشی و انتشار بعضی مقالاتی که ممکن است به سیاست خارجی دولت برخورد در حدود قوانین کشور فکر خردمندانه بکنند.

بقلم پ - ا.

رئیس دانشگاه
ظاهرسازی میکند

در دوره‌های آینده ایران، دانشگاه درخشنده‌ترین نقطه آرزو و امید را تشکیل میدهد ولی کسانیکه با سازمان آن از نزدیک آشنائی دارند این اندازه خوشبینی بخود راه نمیدهند زیرا از آنجا که هیچیک از مظاهر حیات یک قوم نمیتواند در صراط تکامل از دیگری جلوتر باشد در جریان امور دانشگاه ایران شرایط رسمی و مجاز بر حقایق پیشی گرفته است.

آیا میشود در یک دریای پرموج دایره‌ای مقطع چند موز رسم کرد و مقطع آنرا از تموج بر کنار داشت؟ این حد فاصل [illegible] و باطل با موج [illegible] این دایره را ناچیز فرا میگیرد و با آرامش و سکون دایره [illegible] میشود و دریای خروشان را خاموش میسازد.

روشنفکران آرزومند و امیدوارند دانشگاه نورانی ایران [illegible] مذکور باشد ولی مادام که دانشکده‌های ایران [illegible] شاگردان و میدان دشمنی و انواع اعتیادات و شیوه حکومت [illegible] سازگار [illegible] از آنها رخت بر نبسته است چگونه ممکن است روزی [illegible] که [illegible] در آنها افروخته و مصدر یاری اصلاحات اساسی شود.

اصلاح دانشگاه و پیشرفت فرهنگ ایران موکول [illegible] مرحله ابتدائی و اساسی حقا عبارت باشد از تشخیص نواقص و عیوب کار و تعیین دقیق ظرفیت افرادی که بنام اصلاحات دست [illegible] صورت [illegible].

گزارش آقای دکتر سیاسی در جشن سالیانه دانشگاه نشان میدهد چه مسافتی میان دانشگاه ایران و این مرحله اساسی وجود دارد و چه [illegible] در تاروپود بارورترین و دقیق‌ترین سازمان این کشور رخنه کرده است.

آقای دکتر سیاسی در گزارش تاریخی (!) خود که دلیل عدم انحطاط اخلاقی و معنوی ملت ایران در دوره حکومت تاریک بیست ساله است پس از مقدمه سرائی و خوش آمدگوئی چنین میگوید:

«... و اینک یکسالست که دانشگاه مطابق همین [illegible] مستقلا کارهای خود را اداره کرده و با وجود مشکلات بیشمار که قسمتی از آن مربوط باوضاع غیر عادی جهانست به پیشرفتهای بزرگ نائل آمده است ...»

این پیشرفتهای بزرگ کدام است؟ تعداد ناچیز فارغان از تحصیل با افزایش ۴۴۰ تن بر شماره دانشجویان؟ مورد اول در سالهای گذشته نیز سابقه داشته است و مورد ثانی جز یک عمل منفی چیز دیگری نیست و در این خصوص هیچیک از اولیای فرهنگ حقی بر گردن ملت ایران ندارند زیرا بشهادت گزارش مزبور در این یکساله کرسی تازه‌ای در دانشگاه ایجاد و [illegible] وسائل تحصیل از قبیل آزمایشگاه و کتابخانه افزوده و تکمیل شده است و این نکته بر ما مسلمست که در سالهای پیش از استقلال دانشگاه تحصیل دانشجویان در کمال دست تنگی و با فقدان وسائل صورت می گرفته چه رسد پس از افزایش این عده.

بنابراین تنها پیشرفت بزرگ استقلال دانشگاه عبارت است از افزایش ۴۴۰ تن جزوه نویس

درباب «مشکلات بیشمار» باید یادآور شد که «اوضاع غیر عادی جهان» چندان گناهی ندارد بلکه گناه بگردن حکامیست که ۲۰ سال زمام فرهنگ ایران را بدست داشته و بجای پیش بینی آینده و خدمتگزاری بر این خوان یغما دست گزیده و پای افشانده و سورچرانی کرده‌اند. گناه بگردن افرادیست که در سالهای قبل از جنگ پیش از تولد کودک و تعیین جنسیت او لباس عروسی برایش دوخته پیش از تربیت استاد و دبیر و آموزگار و تهیه آزمایشگاه و کتابخانه بدست شرکتهای ساختمانی بیگانه و خودی برای آموزشگاهها بناهای مجلل و زرق و برق افراشته‌اند (!!) گناه بگردن کسانیست

که جلوه وزارت و وکالت آنان را فریفته و از خود بیخود کرده است و کمتر توجهی بدانچه باید که در مرحله اصلاح دانشگاه عنوان [illegible] از قبیل تهیه کتاب و آلات فنی و استخدام استاد لایق گرفت.

دانشجوی حقوق در مدرسه و دانشکده اجازه تشکیل اجتماعات و انجمنهای واقعی ندارد و معلوم نیست چگونه چنین جوانی فردا میتواند در سیاست و قضاوت و انتخابات خود را بکار آرد. دانشجوی پزشکی هنوز اناتومی و جراحی را [illegible] در بیمارستانهای [illegible] و موقت خود بکار میبرند و در صورتیکه در دانشکده‌های دیگر نیز بر همین منوال و وضع تحصیل آشفته و وقت [illegible] است.

آیا منظور از پیشرفتهای بزرگ همین هاست؟

[illegible] های دیگر آقای رئیس دانشگاه چنین گفته است:

«... نظر بمزایائی که برای معلم در قانون تعلیمات اجباری پیش بینی شده است داوطلبان تحصیل در رشته دبیری رو به فزونی نهاده ... و همین کیفیت [illegible] در دانشسراهای مقدماتی نیز پیش خواهد آمد ...»

چگونه این مزایا [illegible] و پنجاه تومان حقوق فارغ التحصیلهای دانشسراهای عالی و [illegible] و چند تومان حقوق دارندگان گواهینامه دانشسرای مقدماتی است که در مشاغل دبیری و آموزگاری پرداخته میشود.

در کشوری که نخستین حقوق ماهیانه میلیونها دارائی [illegible] زده‌اند که هرشب در قهوه‌ها و رستورانها و پای میز قمار هزارها تومان بی کمترین توجهی خرج میکنند [illegible] که با ۱۵۰ تومان [illegible] ماهانه [illegible] وسائل زندگی را [illegible] فراهم آورد [illegible] مزایائی برای آموزگار و دبیر پیش بینی شده است!

اما افزایش داوطلبان تحصیل در رشته دبیری داستان جداگانه ایست از این قرار که معمولا دانشسرای عالی [illegible] از ادبیات و علوم را انتخاب کرده در تحصیل آن رنج میبرند و چون در ایران برای [illegible] شغل مناسب وجود ندارد ناچار حرفه دبیری اختیار میکنند. [illegible] مزایای پیش بینی شده.

در همین راه خود آقای دکتر سیاسی یک ابتکار ادبی بکار برده و گفته است:

«امید میرود [illegible] این ننگ بزرگ که در دوره‌ای که علوم و فنون در اوج کمال سیر میکند هنوز گروه کثیری از افراد ایرانی حتی از نعمت سواد بی بهره‌اند هرچه زودتر از گریبان ما دور شود ...» تاکنون در ادبیات فارسی عادت بر این بوده که در اینگونه موارد گفته شود

«این ننگ بزرگ از دامان ما زدوده شود» یا «این ننگ بزرگ گریبان ما را رها کند» زیرا در اصطلاح معمول و عامه همواره لکه ننگ بر دامن می نشسته و یا دو گریبان گیر افراد و جماعات میشده است و «در گریبان نشستن ننگ» و «از گریبان دور شدن آن» از اصطلاحات نو ساخته ایست که باید بیاد سخنرانی آقای دکتر سیاسی در فرهنگهای فارسی ضبط شود.

پس از این ابراز امید در سخن رانی رئیس دانشگاه نوبه یادآوری از دانشکده هنرهای زیبا (هنرکده) میرسد ولی در این مقام نکته‌ای که درخور [illegible] این است که سه چهار ماه پیش در دوره کفالت آقای دکتر وحید تنکابنی وزارت فرهنگ از پرداخت حقوق استادان هنرکده ابا کرده و مدتی دانشجویان در بلاتکلیفی و استادان در امتناع از تدریس بسر برده و بدین ترتیب قسمت عمده سال تحصیلی سپری شد.

(بقیه دارد)

تفسیر اخبار داخله

هدیه بدولت ایران

از قرار اطلاع واصل دولت شوروی تصمیم گرفته کلیه وسایل متعلق [illegible] موتوری که مابین [illegible] و [illegible] است بدولت ایران هدیه کند و قرار است بزودی [illegible] ایران [illegible] استعمال آن [illegible] شوروی خواهد [illegible] تحویل داده شود.

کمک بآسیب دیدگان شوروی

کمیته کمک [illegible] شوروی کارهای خود را خاتمه داده و در حدود شش هزار [illegible] تومان اعانه جمع آوری کرده است و از طرف [illegible] که ریاست [illegible] امر شده است و وجوه مزبور به آقای میخائیلوف سفیر شوروی [illegible] شود.

جمع احضار شده

[illegible] خبر واصل آقای [illegible] ایران [illegible] خود [illegible] کلاه [illegible] وقایع شده است [illegible] احضار شده است [illegible] ورود [illegible].

در خلخال چه خبر است

از خلخال به اطلاع میرسد [illegible] اوضاع آنجا [illegible] و ارتباط [illegible] از بعضی [illegible] قانون و قواعد [illegible] رئیس [illegible] استفاده [illegible] اخیر [illegible] معلوم میشود [illegible] پول همراه داشته، قضیه تحت تعقیب است تا چه شود.

از مردم

ملاقات عده از نمایندگان باعلیحضرت

امروز صبح ساعت ۱۰ آقایان طوسی، [illegible]، کاظمی، فرخ، دکتر [illegible]، دکتر رادمنش، هاشمی، [illegible]، تیمورتاش، ملک مدنی، [illegible] دکتر [illegible] که از طرف [illegible] مختلف [illegible] بحضور اعلیحضرت شرفیاب شدند. ابتدا آقای کاظمی شرح [illegible] نظریه [illegible] تقاضا [illegible] تفاهم در مجلس [illegible] کشور [illegible] نسبت مطبوعات [illegible] و حسن [illegible] نمایندگان دوره چهاردهم را برای [illegible] کشور [illegible] بعرض رسانیدند.

و بعلاوه آقای [illegible] طوسی [illegible] هاشمی [illegible] در همین زمینه اظهاراتی نمودند.

اعلیحضرت در جواب آقایان نمایندگان [illegible] مشروطیت و اجرای [illegible] قانون [illegible] مخصوصاً [illegible] خاطر نشان کردند که باید با دزدی و [illegible] مبارزه [illegible] کشور [illegible] اجتماعی [illegible] سطح زندگی مردم بالا [illegible] و ایجاد امنیت باید [illegible] درستکاری و تعمیم فرهنگ و [illegible] بهداشت همراه باشد.

در مجلس چهاردهم باید [illegible] تهران و [illegible] پنج ساله تنظیم [illegible] و با تغییر دولت [illegible]

[illegible] آقای [illegible] جامع مطبوعات و [illegible] که اخیراً از طرف اداره تبلیغات نسبت [illegible] جرائد [illegible] کرده [illegible] و تقاضا نمودند [illegible] درباره مطبوعات قانون [illegible] مداخله در [illegible] مطبوعات نداشته باشد.

اعلیحضرت وعده فرمودند که بدولت دستورات لازم خواهند داد در ساعت نیم بعد از ظهر آقایان نمایندگان پس از کسب اجازه از خدمت اعلیحضرت مرخص شدند.

تلگرافها

از تبریز

[illegible] رونوشت مجلس شورای ملی رونوشت کمیته مرکزی حزب توده ایران رونوشت [illegible] رونوشت [illegible] رونوشت آژیر [illegible] رونوشت [illegible]

[illegible]

آقای [illegible] وزارت کشور [illegible] رونوشت [illegible] آژیر رونوشت [illegible] رونوشت کیهان [illegible] غیر قانونی [illegible] کارگران [illegible] دموکراسی [illegible] کارخانه [illegible] دولت [illegible] از طرف عموم کارگران [illegible]

از [illegible]

سئوال از آقای نخست وزیر

[illegible] مسعود [illegible] کشور [illegible] محرمانه [illegible] دموکراسی [illegible] وکالت [illegible] که هیچ [illegible] مشروع [illegible] آماده [illegible] آقای نخست وزیر [illegible] در [illegible] انتخابات [illegible].

[illegible] آقای [illegible] انتخابات [illegible] گرگان [illegible] خودداری [illegible].

از عموم مشترکین تهران و شهرستانها

تقاضا میگردد که هر چه زودتر وجه حق الاشتراک خود را به اداره روزنامه ارسال فرمایند والا اداره از ارسال روزنامه من بعد خودداری خواهد نمود.

دفتر روزنامه آژیر

از عموم نمایندگان شهرستانها

تقاضا میگردد که هرچه زودتر صورت حساب فروش روزنامه تا آخر [illegible] ماه سال ۱۳۲۳ را با انضمام تتمه حساب خود باداره روزنامه بفرستند.

دفتر روزنامه آژیر

www.iran-archive.com

مهمترین خبرهای خارجی

تصرف جزیره بولث در اقیانوس آرام بدست متفقین

ستاد ارتش متفقین در جنوب غربی اقیانوس آرام ـ خبرگزاری انگلیس گزارش میدهد خبرگزاری که ستاد ارتش متفقین در جنوب باختری اقیانوس آرام روز سه شنبه اعلام داشته است نیروهای زمینی متفقین که در [illegible] مشغول عملیات میباشند .

جزیره بولث واقع در تنگه [illegible] را تصرف کرده‌اند و علاوه [illegible] متصرف شده اند .

از طرفی هم در برخی مناطق [illegible] هوائی [illegible] پیوسته و بویژه در [illegible] آمریکا بر [illegible] و اردوگاه های ژاپنیها خسارات فوق العاده وارد آورده است .

پس گرفتن اراضی از دست رفته در تکیه گاه آنزیو بدست متفقین

لندن ـ چنانکه خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد دیشب رادیوی پاریس خبر داده است خبرگزاری که رسماً اعلام کرده نیروهای متفقین زمینهائی را که از سوم فوریه در تکیه گاه جنوب رم از دست داده بودند مجدداً پس گرفته و مواضع متصرفی خود را مستحکم ساخته اند . بعلاوه رادیوهای پاریس اطلاع داده است که در شمال کاسینو نیروی پیاده نظام متفقین [illegible] یک راه آهن را تصرف کرده است .

***

ویلث (و.ر.ن) ـ بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس جان بریکر فرماندار ایالت اوهیو در نظر دارد بزودی داوطلبی حزب جمهوری خواه را برای مقام ریاست جمهوری معرفی نماید .

نامبرده عصر دوشنبه اظهار داشت که باید در اداره امور تغییراتی بظهور رسد که در نتیجه آن تغییرات [illegible] نظامی برای اداره جنگ مصدر کار شوند و این اقدام مساعی جنگی دولت امریکا را بهتر و زیادتر خواهد نمود . بریکر از روزولت رئیس جمهوری ایالات متحده امریکای شمالی درخواست نمود که سیاست جنگی خویش را پیش از آغاز انتخابات تعیین نماید .

آلمانها وحملات سخت متفقین در ایتالیا

لندن ـ بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس خبرنگار مخصوص خبرگزاری آلمان در جبهه ایتالیا امروز خبر داد که توپخانه ژنرال الکساندر بآلمان ها هیچ مهلت نمیدهد .

همین خبرنگار اضافه میکند که [illegible] آلمانی [illegible] و نیروهای پیاده [illegible] آلمان برای [illegible] حمله [illegible] در جبهه [illegible] مشاهده شده .

واحدهای [illegible] توپخانه دریائی تمام [illegible] که مورد [illegible] مواضع مستحکم دشمن [illegible] در جبهه ایتالیا [illegible] و دشوار میشد و از [illegible] جبهه شوروی [illegible] امروز اعلام داشت که پیاده نظام متفقین در ناحیه [illegible] دشمن را از دو طرف راه آهن [illegible] با حملات بسیار سخت مقاومت ورزیده اند .

نخست وزیر لهستان مسافرت خویش را بواشنگتن بتعویق انداخته است

لندن ـ خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد دولت لهستان امروز اعلامیه انتشار داد و در طی آن اعلام داشته است که مسافرت نخست وزیر لهستان استانیسلاو میکلایچیک بواشنگتن بتعویق افتاد زیرا اوضاع ایجاب میکند که این شخص برای [illegible] در لندن باشد .

آلمان ها موفق بتصرف دو شهر در نزدیکی مرز مجارستان گردیده اند

لندن ـ خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد رادیو یوگوسلاوی آزاد امروز اعلامیه ای منتشر نموده که آلمان ها دو شهر [illegible] را که در نزدیکی مرز مجارستان واقع است اشغال نموده اند .

پیشرفت های کوچک نیروی ژاپن در جبهه اراکان

دهلی ـ خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد اداره لوئی مونتباتن امروز اعلام داشت که در جبهه اراکان پس از یکرشته نبردهای که در روز دوشنبه صبح درگرفت نیروی ژاپنی موفق باشغال یک موضع متفقین در جنوب باختری [illegible] گردیده و ژاپنیها متحمل تلفات بسیار شدیدی گردیده اند .

اعلامیه اضافه میکند که عملیات ما برای بیرون راندن دشمن از خطوط ارتباطی خویش ادامه داشته و ما با وجود مقاومت سخت و حملات متقابله ژاپنیها پیشرفت های کوچکی حاصل نموده ایم .

کوشش فن مانشتین [illegible] نجات دادن لشگر های محصور خود

مسکو ـ خبرنگاری که مخصوص خبرگزاری انگلیس امروز از مسکو گزارش داده است [illegible] لشگرهای محاصره شده آلمان [illegible] محاصره خود [illegible] شمال باختری [illegible] که آلمانها [illegible] و از طرفی هم فن مانشتین برای رسیدن [illegible] در خطوط شوروی [illegible] .

ضمناً لشگرهای محاصره شده [illegible] محاصره شده [illegible] بوسیله تانکهای فن مانشتین [illegible] .

اکنون [illegible] واحدهای شوروی در جبهه [illegible] مستحکم آلمانها [illegible] شوروی [illegible] نیروهای [illegible] وسط راه [illegible] است [illegible] طرف [illegible] پیش [illegible] .

قوای شوروی در تمام جبهه جنگ پیش میروند

مسکو ـ خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد اعلامیه شوروی امروز اعلام میدارد که روز ۱۵ فوریه قوای ما که در جنوب و جنوب خاوری [illegible] به پیشرفت خویش ادامه داده و چندین [illegible] در شمال ازونیکورودکا قوای ما [illegible] شوروی [illegible] را اشغال [illegible] در نقاط مسکونی [illegible] در شمال باختری ازونیکورودکا قوای ما مشغول نبردهای بسیار سخت با واحدهای پیاده نظام دشمن میباشند .

دشمن با بعمل آوردن پیشرفت کوچک در خطوط دفاعی ما موفق گردیده است در سایر نقاط جبهه عملیات گشتی و در بعضی نقاط دیگری نبردهای محلی در گرفته است .

پیکارهای شدید در منطقه کاسینو

لندن ـ خبرگزاری [illegible] اطلاع میدهد خبرنگاری که ستاد نیروهای متفقین [illegible] امروز اعلام داشته [illegible] هواپیماهای دشمن [illegible] .

[illegible] هواپیماهای دشمن [illegible] .

در جبهه ایتالیا ارتش پنجم و در پیکارهائی که [illegible] های ما همواره بر دشمن فشار وارد آورده اند . در کاسینو پیکارهای شدیدی جریان دارد در جبهه آنزیو [illegible] سپاه [illegible] دشمن جلوگیری شد [illegible] نیروهای [illegible] ارتش هشتم در سراسر جبهه فعالیت [illegible] خبرنگار مخصوص خبرگزاری انگلیس از مرکز ستاد ارتش متفقین در افریقای شمالی گزارش داده است [illegible] امروز در مرکز ستاد متفقین بطور رسمی اعلام شده است اکنون نیروهای امریکائی بالای شهر کاسینو را تصرف نموده اند و در این ناحیه پیکارهای شدید ادامه دارد [illegible] .

قوای آلمان در شمال باختری ازونیکورودکا متوقف گردیده اند

مسکو ـ خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد رادیوی مسکو پس از انتشار یک تلگراف از خبرنگار روزنامه ستاره سرخ [illegible] امروز چنین اعلام داشت که پیشرفتهای کوچکی که دشمن [illegible] در شمال ازونیکورودکا گردیده بود متوقف گردیده است آلمانها در طی ۳ [illegible] که محاصره [illegible] شوروی در یک ناحیه [illegible] وارد آورده .

خبرنگار چنین اضافه میکند دو حمله اول دشمن دفع گردیده ولی در حمله سومی دشمن موفق گردیده که پیشرفت کوچکی حاصل نماید ولی در نقطه که نیروی توپخانه شوروی متمرکز گردیده بود تانکهای آلمانها را متوقف ساخت .

آگهی

صندوق تشویق مشتری از پس انداز کنندگان بهره حسابهای پس انداز افزایش داده و از اول دیماه ۱۳۲۲ بوجوه پس انداز تا ۲۰۰۰۰ ریال (چهار درصد) از ۲۰۰۰۱ ریال تا ۵۰۰۰۰ ریال (دو درصد) در بیست هزار ۲۰۰۰۰ ریال و از ۵۰۰۰۱ ریال تا ۱۰۰۰۰۰ ریال (یک درصد) در مازاد ۵۰۰۰۰ ریال بهره تعلق میگیرد .

علاوه همه ساله مبلغ معتنابهی بطور قرعه بدارندگان حساب پس انداز جایزه داده میشود .

(مبلغ جایزه اینکه در سال ۱۳۲۱ داده شده بالغ بر ۲۰۰۰۰۰ ریال بوده)

کسانیکه تا پایان سال جاری حساب پس انداز باز کنند مشمول جایزه پس انداز سال جاری شده و چنانچه بخت با آنها یاری کند علاوه بر استفاده از بهره جایزه ای هم نصیبشان خواهد شد .

بنابراین از عموم اهالی پایتخت دعوت می شود که هرگاه تاکنون از مزایای پس انداز بهره مند نشده اند قبل از پایان سال جاری برای باز کردن حساب پس انداز بیکی از محلهای زیر مراجعه فرمایند

صندوق پس انداز ملی	خیابان فردوسی
بانک ملی ایران ـ شعبه بازار	خیابان بوذرجمهری
باجه پستخانه	خیابان سپه
باجه امیریه	خیابان پهلوی ـ جنب کوچه شیبانی
باجه شاهرضا	خیابان شاهرضا ـ جنب فروشگاه [illegible]
باجه سپاه	خیابان سپاه ـ دروازه شمیران
باجه مولوی	خیابان مولوی ـ مقابل باغ فردوس
باجه بازار	بازار ـ سرای حاج حسن
باجه خیام	خیابان خیام ـ چهارراه گلوبندک
نمایندگی تجریش	تجریش
نمایندگی شهرری	شهرری
نمایندگی کرج	کرج

صندوق پس انداز ملی

ش ـ ۱۶۹ ۳ ـ ۵

خبرهای گوناگون

روز دوشنبه برای مدت ۳ ساعت در میدان نبرد کاسینو جنگ متارکه گردید زیرا آلمانها میخواستند که کشتگان خویش را جمع آوری نمایند . این دومین متارکه است که در طی ۳ هفته اخیر از طرف آلمانها درخواست شده است .

***

وندل ویلکی رسماً داوطلبی خویش را برای ریاست جمهوری آمریکا اعلام داشته است .

***

نماینده ستاد ارتش ژنرال مک آرتور اطلاع میدهد که اشغال جزیره [illegible] در روز ۱۲ فوریه بدون روبرو شدن با مقاومت نیروی ژاپون و تماس با دشمن انجام گرفت .

***

اعلامیه دولت لهستان در لندن می گوید که علت تعویق مسافرت نخست وزیر لهستان بواشنگتن اشتغالاتی است که وی را در پایتخت انگلستان نگهداشته است

***

روز سه شنبه صبح مدت ۲۰ [illegible] دستجات بزرگ دژهای پرنده و [illegible] های متفقین مواضع نیروی آلمان را در صومعه کوه کاسینو بمباران نمودند .

***

قوای ارتش پنجم پیشرفت خویش را در قطعه کاسینو در پرتو یک [illegible] شدید باز گرفته و اینک یک سوم شهر اشغال نموده اند .

***

روز ۳ شنبه حملات نیروی [illegible] بر هدفهای آلمانی واقع در شمال [illegible] باشدت هرچه تمامتر بر علیه ناحیه [illegible] ادامه یافت برطبق اخبار رادیوی [illegible] ۲۵۰۰۰ تن اهالی غیرنظامی [illegible] را تخلیه کرده اند .

***

بنا باظهار مسافرینی که از [illegible] باسیلیا آمده اند زمامداران آلمانی در نتیجه کشف یک توطئه برای خراب کردن پل بزرگ راه آهن [illegible] بوسیله دینامیت صدها اشخاص را دستگیر نموده اند .

ترجمه کریم کشاورز ـ ۲۴ ـ نگارش جون بی پرایستلی

تاریکی گرتلی

ما به راگلان استریت [illegible] بنظرم آمد که بانو ویلکنسون هنوز از مرگ کرایه‌نشین خود اطلاعی ندارد . از همین در این باره سؤال کردم واو گفت که مشارالیها دیشب خیلی دیر از این موضوع اطلاع حاصل کرده وامروز صبح هم برای مراسم تشخیص هویت جنازه اورا احضار کرده اند .

در جیب اولین یادداشتی پیدا شده بود که نشانی منزلش را حاوی بود و پلیس نشانی را باین وسیله پیدا کرده بود . باری هب مذاکرهٔ با بانو ویلکنسون کرد وبعد من با مشارالیها صحبت کرده وقرار کرایه اطاق را گذاشتیم . مشارالیها تصور میکرد که اولین قربانی حادثه سوء شده و قدری هم گریه کرد . در این ضمن هب مشغول تجسس در اطاق اولین بود .

من هم بان جا رفته وبا او اطاق را با کمال دقت وارسی کردیم . تفنگ را پیدا نکردیم .

من هم انتظار نداشتم که آن را این جا بیابم . زیرا حتی همکارانی که [illegible] تفنگ [illegible] باخود دارند ودر منزل جا نمیگذارند من به هب گفتم

«تعجب ندارد . من دو یک سر می بندم که تفنگ در جیب اولین بوده و البته یک شخص در این شهر آن را متصرف است . در هر حال تفنگ مرا درست نگاه کنید . اولین هم درست نظیر این را داشت» . افسر پلیس [illegible] تفنگ مرا زیر ورو کرده ونگاه کرد و بعد اظهار داشت که تفنگ اولین را هر وقت وهرجا ببیند خواهد شناخت . وبعد چنین گفت

«اگر چنین تفنگی را در دست کسی ببینم [illegible] حالا راجع به دفترچه یادداشت صحبت بکنیم .

شما گفتید که میخواهید [illegible] کنید . چطور است اگر امروز نزدیک ساعت [illegible] باین جا آمده ودفترچه را هم بیاورید ؟ [illegible] این روزها کار من خیلی زیاد است . وعلی الخصوص این قضیه «اولین» خیلی مرا مشغول خواهد داشت . ولی اگر شما صورتی از اسامی کسانی که مورد علاقه شما هستند بمن بدهید من کوشش خواهم کرد تمام اطلاعاتی را که پلیس راجع بآنان در دست دارد باختیار شما بگذاریم .»

من روی یک پاکت چند تا اسم نوشتم وباو دادم .

هب سری تکان داد و بدون این که چیزی بگوید از اطاق خارج شد . شنیدم که با بانو ویلکنسن چیزی گفت و به پاسبان امر داد که اثاثیه ولوازم اولین را جمع کرده ببرد . پاسبان وارد اطاق شد و بدون این که منتظر رفتن من بشود مشغول جمع آوری اشیاء شد .

وقتی افسر پلیس رفت و دیگر کسی نبود که درد دل مرا بشنود حالم دگرگون شد .

خبر مرگ اولین را که در طی مکالمه دو بدو با افسر پلیس شنیده بودم مرا در آن لحظه [illegible] نکرده بود .

در آن لحظه [illegible] خبر تاثر آوری بنظر آمد ولی وقتی تنها ماندم تمام عظمت این مصیبت را درک کردم . بیاد آوردم که چه مرد نیکی بود و چطور از بالای عینک خود بمن مینگریست و چطور در طی همان مکالمه کوتاهی که باهم داشتیم علامات عقل و درایت از سیمایش هویدا بود .

بعد منظره مرگ اورا در نظر آوردم که چطور [illegible] را انداخته و با ماشین ازروی او رد شده وبعد جسدش را توی اتومبیل گذاشته و جای دیگر دور انداخته و مثل یک کیسه سیب زمینی [illegible] آنجا کشیده اند غم واندوه وبعد از آن غضب [illegible] وجودم را فرا گرفت .

وقت خودم را با این فکر که آیا چنین سرنوشتی در کمین من نیز میباشد یا خیر تلف نکردم زیرا چنین اندیشه در واقع اتلاف وقت بود و باضافه من زیاد علاقه باینکه چطور خواهم مرد نداشتم .

تصمیم قطعی گرفتم که تن وجان را وقف کار بکنم وتا بتوانم تمام نیروهای خود را متوجه منظور بکنم .

تا آن روز هم در شهر گرتلی وقت تلف نکرده بودم . هر قدمی که برداشته بودم نتیجهٔ داده بود .

[illegible] خود را گرد آورده و با اشتها خوردم و قرض خود را پرداخته و [illegible] را ترک گفته و درشکهٔ کرایه کرده و بسوی راگلان استریت رفتم . این بار خود مستر ویلکنسون هم در خانه بود . در راه آهن کار میکرد .

میگفت اگر تمام ارتش خود را بلهستان [illegible] در جنگ پیروز خواهیم شد و از اینکه خود پیر است و نمیتواند بارتش اعزامی همراهی کند اظهار تاسف میکرد .

من جواب دادم که عدهٔ بسیاری هستند که من هم با کمال میل بلهستان گسیل میداشتم ولی افسوس آنان نیز جوان نیستند .

[illegible] خودرا [illegible] تعریف کرد ولی من [illegible] از خانه خارج شدم که خانه دکتر بالوگرشنون را پیدا کنم . ازمستر ویلکنسون نشانی او را پرسیدم ولی مشارالیه اظهار بی اطلاعی کرد . در اولین شعبه پست دفتر تلفون را نگریسته ونشانی را پیدا کردم .

دکتر بالوگرشنون خیابان شروود شمارهٔ ۸۷ . از راگلان استریت تا آنجا تقریباً یک میل مسافت بود و در انتهای یکی از آن کوچه‌های خارج شهر واقع شده بود که روی کاغذ خیلی زیبا هستند ودر واقع و عملا تاثیر بسیار سوئی در اشخاص میکنند . خیابان شروود با خانه های ییلاقی محاط بود که بدور هر یک چند تا درخت باریک نحیف وتوده های برف [illegible] دیده میشد .

وقتی من جلوی خانه شماره ۸۷ رسیدم داشت تاریک میشد . یک کلفت پیری که گویا اطریشی بود بصدای زنگ درب را گشود وبا کمال خشونت اظهار داشت که دکتر در این ساعت فقط از مرضا پذیرائی میکند .

من گفتم

ـ چه بهتر از این ـ خواهشمندم مرا به اطاق کار دکتر راهنمائی کنید .»

گویا اظهار من مرضی نبود . مشتری های دکتر بالوگرشنون گویا [illegible] نبودند . ولی مطبش کوچک وتمیز بود . اول دکتر مرا نشناخت . اینجا مشارالیه بنظر من طور دیگر جلوه کرد . اولا خلعت سفیدی بر تن داشت . موهای [illegible] شاه بلوطیش صاف بود وبی‌تکلف درست شده بود . ثانیاً حس میشد که دراین لحظه بخود اعتماد دارد و آماده کار است و این برای پزشکی که از مرضا پذیرائی میکند یک امر طبیعی است . باید بگویم که خیلی از او خوشم آمد ولی چهره اش خیلی خسته و افسرده بنظر میآمد . همین که مرا شناخت [illegible] شد . [illegible] چنین وانمود کرد که گوئی بار اولی است که یکدیگر را می بینیم جواب سلام مرا داده و سؤال کرد که کجایم درد میکند . من پیش خود فکر کردم که بهتر است حقیقت را بگویم و چنین پاسخ دادم «جائی درد نمیکند و نمیتوانم بگویم که واقعاً مریضم ولی همیشه خودرا گرفته وبی‌حال حس میکنم خوب نمی‌خوابم واشتهاهم ندارم»

او گفت «زبانتان را نشان بدهید»

من با کمال میل زبانم را نشانش دادم . او چنین اظهار داشت «تصور میکنم زیاد سیگار میکشید و کم ورزش میکنید . آیا مدتی است که بدندانساز مراجعه نکرده اید ؟»

من سرم را تکان داده و گفتم «خیلی وقت است . زیرا خیلی مشغول و فرصت نمیکنم . راجع بدندانهایم هم [illegible] . یک نسخهٔ بنویسید که [illegible] را در وجود من برقرار کند ـ میفهمید ؟»

صدای زنگ درب ورودی که دومتر بیش با اطاق مطب دکتر فاصله نداشت شنیده شد .

صدای در را که کلفت پیر باز کرد شنیدم وصدای کسی را شنیدم . بعد کلفت پیر وارد شد وبا صوت ترسناکی چیزی بزبان آلمانی گفت . دکتر عجله ازاطاق بیرون رفت ومن از غیبت او استفاده کرده ازپنجره نگاه کردم . در کوچه پهلوی درب ورودی یک پاسبان پلیس ایستاده بود . نمیدانم چرا آمده بود ولی زود [illegible] . وقتی مشارالیه مراجعت کرد صورتش [illegible] شده بود در چشمانش همان [illegible] اضطراب و وحشت باطنی خوانده میشد [illegible] را بست ولی از آن دور نشد با غضب گفت

«این [illegible] است . شما این جا چه کار دارید چرا [illegible] چرا آمده اید !»

من با لحن جدی پاسخ دادم

«آمدم درباره بعضی قضایا با شما صحبت کنم . کلفت پیرتان بمن گفت که شما فقط ازمرضا پذیرائی میکنید واین بود که خود را بناخوشی زدم .»

مشارالیه گفت

«گمان کردید من نمی فهمم که شما مریض نیستید ؟»

گویا مشارالیه میخواست به عدم اعتمادی که مردم عادتا نسبت به [illegible] دارند اشاره کند .